



شورای سیاست‌گذاری حوزه‌های علمیه خاوران

مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه خاوران

معاونت پژوهش

استان همدان شهر همدان مدرسه علمیه عالی تخصصی فدک

عنوان:

ترجمه بخشی از کتاب مصباح الفقاهه فی

المعاملات

تألیف آیت‌الله العظمی سید ابوالقاسم خویی

استاد راهنما

سرکار خانم نسرین اسدیگی

نگارنده

فاطمه حبیبی قیرجه

سال تدوین ۱۴۰۳

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تحمیدیه

حمد و سپاس مخصوص خداوندی است که پروردگار جهانیان است. خداوندی که انسان را خلق کرد و به او حواس پنج‌گانه عطا کرد. خداوندی که به انسان علم آموخت تا بتواند راه رشد از گمراهی را بیابد و به سرمنزل مقصود برسد. حمد و سپاس خداوند متعال را به این بنده‌ی سراپا تقصیر، منت نهاد و مرا در راه ترجمه این کتاب ارزشمند یاری رساند.

تقدیم به

تحقیق حاضر ترجمه بخشی از کتاب ارزشمند مصباح الفقاهه می باشد که به خاطر
علاقه و عشق وافر که به حضرت زهرا سلام الله علیها دارم این ترجمه را تقدیم وجود
بابرکت ایشان می کنم، باشد که مورد عنایت ایشان قرار گرفته و گوشه چشمی به این بنده سراپا
تقصیر بکنند.

تقدیر و تشکر

قدردانی و تشکر از کسانی که در رساندن اهداف انسان به او یاری می‌رسانند، رسم ادب است. پس جا دارد که قبل از هر چیز از تمام اساتید حوزه که مرا در رساندن اهدافم یاری رساندند کمال تشکر و قدردانی را داشته باشم. همچنین از استاد گرامی سرکار خانم اسد بیگی که در کار ترجمه راهنمای من بودند کمال تشکر رادارم؛ و همچنین از همسر گرامیم که با این مشکلات، صبور بود و در این کار پشتیبان و حامی من بود، کمال تشکر و قدردانی رادارم.

بیع منی

نظر مصنف این است که در حرمت بیع منی هیچ اشکالی وجود ندارد، ولی در این مسئله سه وجه برای منی وجود دارد :

۱- منی، وقتی خارج از رحم باشد: که نظر مصنف این است که به خاطر نجاست آن و عدم انتفاع از آن، بیع آن حرام است.

۲- منی، وقتی که در داخل رحم واقع شود «ملاقیح»
علما بیع ملاقیح را جایز نمی‌دانند آن هم به خاطر جهالت و عدم قدرت بر تسلیم و اینکه قائل به تبعیت و جزئیات شده‌اند، ولی ظاهر جواز بیع به طور مطلق است.

۳- منی، وقتی در صلب مرد باشد «عسیب الفحل»
در حرمت بیع عسیب الفحل بین فقها اختلاف وجود دارد، بعضی مانند شیخ مفید آن را حرام می‌دانند به خاطر عدم مالیت و مجهول بودن و عدم قدرت تسلیم بر آن. بعضی هم مانند آنچه که در «خلاف» آمده بیع آن را مکروه دانسته‌اند.

جواز انتفاع از مردار و حرمت بیع آن
مصنف می‌گوید: معامله بر مردار، حرام است .

تحریر این مسئله در دو مقام است: یکی جواز انتفاع از مردار و دیگری در حرمت بیع آن.
دو دسته روایت داریم: دسته اول که دلالت بر حرمت انتفاع از مردار دارد و دسته دوم که بر جواز انتفاع از آن دلالت میکند، مقتضی جمع بین روایت این است که آن دسته از روایات که دلالت بر حرمت دارند را حمل بر کراهت کنیم .

نتیجه گیری

کتاب مصباح الفقاهه فی المعاملات که توسط محمدعلی توحیدی به رشته تحریر درآمده است، تقریری بر بحث‌های آیت الله خویی می‌باشد. آیت الله خویی بحث‌های خود را پیرامون کتاب مکاسب شیخ انصاری تدوین کرده است. موضوع کتاب مصباح الفقاهه فی المعاملات، مکاسب می‌باشد. یکی از ویژگی‌های بارز این کتاب این است که در بحث دروس خارج فقه کاربرد فقهی دارد و همین امر باعث توجه طلاب به این کتاب ارزشمند شده است. این کتاب در هفت جلد به نگارش درآمده است که در این تحقیق به ترجمه بخش ابتدایی جلد اول آن پرداخته شده است. این بخش از کتاب شامل روایاتی است که در رابطه با معاملات و مکاسب کاربرد دارد، که از جمله آنها: روایت تحف العقول می‌باشد. این روایت، شامل قواعد کلی زندگی بشری در احکام معاملات می‌باشد، ولی از جهت مرسله بودن و اینکه سندش ضعیف است و شرایط حجیت خبر واحد را ندارد، از نظر فقها استناد به این روایت برای استخراج احکام معاملات، جایز نیست. و از دیگر روایات، روایت فقه رضوی می‌باشد، که بعضی از فقها آن را منسوب به امام رضا (ع) دانسته اند، ولی شواهد و قرائن یافت شده برای اثبات نسب این کتاب به امام رضا (ع) کافی نیست، مضافاً اینکه این روایت مرسله است و از حجیت ساقط می‌باشد، پس استناد به آن در استخراج احکام معاملات جایز نمی‌باشد.

از جمله دیگر روایات در این کتاب، روایت دعائم الاسلام، می‌باشد. این روایت هم مانند دیگر روایت مقدمه، از ضعف سندی برخوردار باشد، در نتیجه به این روایت هم نمی‌توان استناد کرد.

و دیگر روایتی که در بخش ابتدایی این جلد وجود دارد، روایت نبوی مشهور است. این روایت در بین فقهای عامه، تنها در یک مورد ذکر شده است و با اینکه در بین فقهای شیعه، به

و فور ذکر شده، ولی ضعف سندی و نبود شهرت فتواییه ای که جبران ضعف سندی را بکند، سبب شده که استناد به این روایت نیز جایز نباشد.

بعد از تحلیل و بررسی روایات، به بحث بطلان معامله بر اعمال حرام پرداخته شده است. در این قسمت به نوع اول مکاسب حرام یعنی اکتساب اعیان نجس، پرداخته شده است. اعیان نجس؛ چیزهاییست که نجاستشان فی نفسه ذاتی است و امکان پاک شدن ندارند، یکی از این اعیان نجس، احوال حیوان حرام گوشت است که در جواز و عدم جواز بیع آن، نظر مصنف این است که بیع آن حرام است به غیر از بول شتر جلاله. ولی با توجه به اشکالات وارده بر این نظریه و عدم پذیرش استدلال های مصنف بر حرمت آن، رأی نهایی فقها بر جواز بیع احوال حیوانات حرام گوشت می باشد.

درباره حرمت بیع چربی حیوان حرام گوشت، مصنف بیع آن را به دلیل روایت نبوی مشهور: «لعن الله اليهود» حرام دانسته است، ولی چون ظاهر روایت حرمت خوردن آن است، نه حرمت وضعی و تکلیفی آن و ممکن است غیر از خوردن منافع محله داشته باشد، در نتیجه بیع آن جایز می باشد.

و در مورد بیع عذره، مصنف می گوید: بیع عذره نجس هر حیوانی، حرام است. در این مسئله دو دسته روایت متعارض داریم که یکی بر جواز و دیگری بر حرمت بیع آن دلالت دارد و مقتضای جمع عرفی این است: حمل روایات منع بر بیع عذره انسان و حمل روایت جواز بر بیع عذره حیوان حلال گوشت.

در جواز بیع ارواث، مشهور نظر مصنف را در این باره (جواز بیع) تایید می کند.

و از دیگر اعیان نجس، خون است که مصنف بیع آن را حرام می داند، ولی بین خون نجس و خون پاک تفصیل قائل شده است به اینکه اگر برای خون پاک، منفعت محله مانند رنگرزی باشد، پس بیع آن جایز است.

مورد دیگر از اعیان نجس، منی است. که در این مورد سه وجه وجود دارد:

یکی: وقتی خارج از رحم است که بیع آن حرام می‌باشد. دوم: وقتی که داخل رحم است (ملاقیح) که بیع آن به طور مطلق، جایز می‌باشد و وجه سوم، عسیب الفحل: زمانی که در صلب مرد است، که بعضی آن را حرام و بعضی مکروه می‌دانند.

و مورد آخر از اعیان نجسه که در بخش ابتدایی این کتاب آمده جواز انتفاع از مردار و حرمت بیع آن است، که در این مورد دو دسته روایت داریم: یکی بر جواز و دسته دوم بر حرمت بیع آن دلالت دارند. در مواردی که بین دو دسته روایت تعارض و تنافی وجود دارد اقتضای جمع عرفی این است که روایات حرمت را حمل بر کراهت کنیم.

حال دانش پژوه با مطالعه این قسمت، چگونگی استدلال و استناد به روایات را فرا می‌گیرد و در می‌یابد که فقها بر استخراج هر حکمی چگونه از منابع و روایت استفاده کردند و اینکه احکامی که به سهولت در اختیار ما قرار دارد حاصل دسترنج سال‌ها تحقیق فقها و بزرگان اهل فن بوده است.

منابع و ماخذ

- ۱- کتاب فرهنگ عربی - فارسی منجد الطلاب، نشر انتشارات اسلامی، مترجم: محمد بندر ریگی، مؤلف: فواد افرام البستانی، چاپ اول ۱۳۸۹
- ۲- مفردات راغب، نویسنده حسین بن مفضل (راغب اصفهانی)، ناشر دفتر نشر کتاب، چاپ دوم ۱۴۰۴ قمری
- ۳- فرهنگ لغات و اصطلاحات فقهی، عربی به فارسی، انتشارات سروش، چاپ اول ۱۳۸۲، مؤلف: دکتر سید محمد حسینی
- ۴- کتاب شرح مکاسب شیخ انصاری به روش پرسش و پاسخ، جلد اول، بیع معاطات، نویسنده مرتضی انصاری، مترجم: جمشید سمیعی، ناشر خاتم الانبیا، ۱۳۹۰
- ۵- کتاب بررسی اعتبار روایت تحف العقول، مطالعات اسلامی ۱۳۹۵، چاپ چهل و هشتم، دکتر علی اکبر ایزدی فرد
- ۶- کتاب ترجمه تحف العقول عن آل رسول، تالیف: محمد باقر کمره ای، چاپ ششم، ۱۳۷۶، چاپخانه اسلامی انتشارات: کتابچی